



■ نجمه مسعودی

دبیر ریاضی دبیرستان دخترانه دوره اول

چرا دانش آموزان مدرسه را دوست ندارند؟

❖ نویسنده: دنیل تی ویلینگهام

❖ ناشر: ترجمان علوم انسانی

❖ مترجم: سید امیرحسین میرابوطالبی

همچنین، کتاب به ما کمک می‌کند تا از دام آموزش سطحی و حفظ طوطی‌وار فرار و به سمت درک عمیق حرکت کنیم. راهکار کلیدی اینجاست: ارائه مثال‌های متنوع و ملموس، مقایسه موارد متفاوت و فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تمرین هوشمندانه. تمرینی که نه خسته‌کننده که ضروری است تا مهارت‌های پایه تبدیل به عادت ذهنی خودکار شوند و راه را برای تفکر سطح بالا باز کنند.

در نهایت، این کتاب بیش از مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، چشم‌اندازی تحول‌گرا ارائه می‌دهد و به ما می‌آموزد که با درک کاربرد ذهن می‌توانیم فضایی امن، هم از نظر عاطفی و هم از نظر شناختی، در کلاس ایجاد کنیم. فضایی که در آن اشتباه کردن بخشی از فرایند یادگیری است. در این کلاس، چالش ذهنی به عنوان فرصتی هیجان‌انگیز دیده می‌شود و هر دانش‌آموز احساس می‌کند ذهن او و روش یادگیری‌اش دیده و درک شده است.

چرا بچه‌ها مدرسه را دوست ندارند؟ فقط یک نظریه نیست؛ جعبه ابزاری عملی است. این کتاب به معلم کمک می‌کند تا به جای جنگیدن با طبیعت ذهن دانش‌آموز، همراه آن شود و معجزه یادگیری واقعی را رقم بزند. اگر می‌خواهید نه تنها معلمی مؤثرتر، بلکه مهندس یک کلاس درس امن و جذاب و پرثمر باشید، خواندن این کتاب را از دست ندهید. فرصت گفت‌وگو با ذهن دانش‌آموزتان آغاز شده است؛ این کتاب زبان مشترک این گفت‌وگوست. ■

فرار می‌کند. دانش‌آموزان تنها زمانی از تلاش ذهنی استقبال می‌کنند که احساس کنند می‌توانند بر چالشی قابل دسترسی فائق آیند. نویسنده با درک این اصل به ما می‌آموزد که چگونه تکلیف‌ها و درس‌ها را در «منطقه طلایی دشواری» طراحی کنیم، نه آن قدر آسان که کسالت‌بار و نه آن قدر سخت که فلج‌کننده باشد.

یکی از قدرتمندترین بینش‌های این کتاب شکستن یک دوگانه کاذب آموزشی است: «دانش در مقابل مهارت‌های تفکر». کتاب به وضوح نشان می‌دهد که تفکر انتقادی و حل مسئله عمیق بر بستری غنی از دانش و اطلاعات بنا می‌شوند. بدون این دانش پایه، ذهن فضای کافی برای پردازش و ترکیب ایده‌های جدید را ندارد. این بینش اهمیت بنیادین آموزش محتوای غنی و معنادار را دوباره برجسته می‌سازد.

اما دانش چگونه در ذهن می‌ماند؟ پاسخ ساده و ژرف است: ما آنچه را عمیقاً فکر می‌کنیم، به خاطر می‌سپاریم. بنابراین، معلم باید طراح تجربه فکری باشد. این کتاب تکنیک‌های عملی‌ای مانند استفاده از روایت و داستان، طرح سؤالات جذاب و ایجاد ارتباط عاطفی مثبت را پیشنهاد می‌دهد تا توجه دانش‌آموز به هسته مفهومی درس معطوف شود، نه به حاشیه‌ها.

اگر رازی مخفی برای تبدیل کلاس درس به کانون شور و اشتیاق یادگیری وجود داشته باشد، آن راز چیست. تصور کنید فضایی که در آن، به جای نگاه‌های خسته و سرگرم‌شده با تلفن همراه، با چشمانی درخشان از کشف ایده‌ای جدید روبه‌رو شوید. جایی که مفاهیم انتزاعی نه چون دیواری صعب‌العبور که همچون جورچینی جذاب به نظر می‌رسند که دانش‌آموزان از حل کردن آن‌ها لذت می‌برند. این رؤیایی دست‌نیافتنی نیست؛ بلکه دستورالعمل عملی همین امروز شماست.

کتاب چرا بچه‌ها مدرسه را دوست ندارند؟ نوشته دنیل تی. ویلینگهام، همان نقشه گنجی است که این تحول را ممکن می‌سازد. اگر مأموریت معلم ساخت «محیط آموزشی امن» باشد، این کتاب کلید رسیدن به این هدف را درک‌کردن شگفت‌انگیز ذهن دانش‌آموز می‌داند.

کتاب با زبانی روشن و مبتنی بر پژوهش‌های علوم شناختی، به قلب یک ناسازنمای (پارادوکس) آموزشی می‌زند: ما انسان‌ها ذاتاً کنجکاویم؛ اما ذهن ما به‌گونه‌ای طراحی شده است که از تفکر سخت و پیچیده

